مرد مرموز به دومین قتل هم اقرار کرد

مرد جنایتکار که اسفندماه سال گذشته زن مورد علاقه‌اش را به قتل رسانده بود، به قتل پسر وی هم اقرار کرد. متهم ۳۷ ساله که بهروز نام دارد، بعد از وقوع حادثه به شهرستان بوکان گریخت، اما ۲۸ اردیبهشت‌ماه در حالی که برای ادامه کار راهی تهران شده بود، بازداشت شد. اولین گزارش حادثه روز پنج‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه در این صفحه چاپ شد.

به گزارش خبرنگار ما، بامداد ۲۷ اسفندماه سال گذشته بود که خبر کشف جسد مدیر یک شرکت خدماتی که زنی ۴۹ ساله بود، به قاضی سعید احمدبیگی بازپرس ویژه قتل به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی گزارش شد. با حضور تیم جنایی در محل که طبقه سوم ساختمانی در خیابان انقلاب بود، مشخص شد که مریم با دو ضربه چاقو هدف قرار گرفته و دستمالی هم به دور گردنش پیچیده شده است. گزارش پزشکی قانونی بعد از معاینه جسد هم نشان داد که دو روز از مرگ این زن گذشته است. دختر مریم در اولین تحقیقات گفت مادرم همراه برادرم این شرکت را اداره می‌کرد. البته برادرم میلاد که ۲۰ ساله بود، یک سال قبل به صورت قاچاق از کشور خارج شد و دیگر از او خبری ندارم.

تیم جنایی در بررسی‌های تخصصی اطمینان پیدا کرد که قتل از طرف فردی آشنا صورت گرفته است.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها شوهر سابق مریم به تیم جنایی گفت: مدتی قبل پسرم میلاد در حالی که ۳۵۰ میلیون تومان پول همراه داشت، همراه مردی به نام بهروز راهی شهرستان بوکان شد و دیگر به خانه بازنگشت ما هم برای یافتن او از پلیس درخواست کمک کرده بودیم تا اینکه متوجه شدم مریم هم کشته شده است.

کارآگاهان در تحقیقات بیشتر به مرد ۳۷ ساله‌ای به نام بهروز که کارهای مریم را انجام می‌داد، مظنون شدند. در بررسی‌های بعد مشخص شد که او بعد از حادثه خوابگاهش را ترک کرده است. این مرد ۲۸ اردیبهشت‌ماه در حالی که برای کار خدماتی وارد خانه‌ای در شمال تهران شده بود، بازداشت شد و خیلی زود به قتل مریم اقرار کرد. بهروز گفت: من هفت سال قبل در این شرکت مشغول کار شدم. از آنجا که پسر مریم به مصرف مواد اعتیاد پیدا کرده بود، خودم را به مریم نزدیک کردم و اطمینان او را جلب کردم. سال قبل میلاد، پسر مریم به صورت غیرقانونی از کشور خارج شد و رابطه من با مریم نزدیک‌تر شد.

بهروز در توضیح شب حادثه هم گفت: آن شب به دعوت مریم به شرکت رفتم. وقتی از او درخواست رابطه کردم، عصبانی شد و درخواستم را رد کرد. همین موضوع سبب مشاجره شد. با چاقو دو ضربه به او زدم و بعد دستمالی به دور گردنش پیچیدم که فوت شد. بعد از قتل مقداری پول از شرکت سرقت کردم و به بوکان گریختم.

با اقرار متهم، کارآگاهان احتمال دادند که بهروز در ماجرای ناپدید شدن پسر مریم و سرقت پول‌های او هم دخالت داشته باشد، به خاطر همین این مرد تحت بازجویی فنی قرار گرفت تا اینکه دو روز قبل به قتل میلاد هم اقرار کرد.

او در شرح ماجرا گفت: سال ۸۷ وقتی به عنوان کارگر به استخدام شرکت خدماتی درآمدم، مریم و پسرش میلاد آنجا را اداره می‌کردند. در طول این سال‌ها توانستم رضایت مریم و میلاد را جلب کنم. اوایل سال گذشته بود که میلاد به مصرف شیشه اعتیاد زیادی پیدا کرد. او آن زمان عاشق زن بیوه‌ای شده بود و می‌خواست با او ازدواج کند، اما مادر میلاد مخالف این وصلت بود. اعتیاد شدید میلاد سبب شد تا او را در کمپ بستری کنیم. دو هفته بعد در حالی که وضعیت بهتری داشت به شرکت برگشت و دوباره مشغول کار شد. مدتی که گذشت میلاد یک خودروی وانت خرید و آن را به من داد تا با آن کار کنم. بعد به پیشنهاد میلاد برای قاچاق کالا به بوکان می‌رفتم. اجناس را به تهران می‌آوردم و بعد از فروش سود آن را بین خودمان تقسیم می‌کردیم. یک بار مأموران بار قاچاق را توقیف کردند. آن روز میلاد به خاطر وضعیتی که داشت در کمپ بستری بود. با مریم تماس گرفتم و ماجرا را شرح دادم. او قبول کرد که خسارت من را پرداخت کند به شرط اینکه سود فروش کالاهای قاچاق را با او تقسیم کنم که قبول کردم.

بهروز ادامه داد: بهمن ماه سال قبل بود که میلاد با چند نفر از کارگران خدماتی داخل شرکت درگیر شد. بین آنها دعوای سختی اتفاق افتاد به طوری که میلاد یکی از آنها را به شدت زخمی کرد. آن کارگر علیه میلاد شکایت کرد و حکم جلب گرفت. میلاد هم از ترس فرار کرد. به پیشنهاد من راهی بوکان شد. او گفت می‌خواهد به صورت غیرقانونی از کشور خارج شود و من داشتم شرایط آن را بررسی می‌کردم.

متهم در شرح حادثه مدعی شد: ۱۶ بهمن ماه سال قبل، یک شب قبل از حادثه میلاد داشت داخل حیاط سیگار می‌کشید. من هم روی راه پله با تلفن همراهم حرف می‌زدم. البته میلاد متوجه حضور من نبود. همان لحظه دختر ۱۵ ساله‌ام داشت کیسه زباله را به کوچه می‌برد که میلاد به او نظر بدی کرد. رفتار او سبب شد که تصمیم به انتقام بگیرم. آن شب را منتظر ماندم و صبح روز بعد او را به بهانه شکار به دشت‌های حوالی شهرستان سقز بردم. در محل خلوتی ناگهان اسلحه کشیدم و او را با شلیک گلوله به سرش به قتل رساندم. بعد از حادثه ترسیدم. جسد را رها کردم و از محل دور شدم. اسلحه را داخل رودخانه انداختم و راهی خانه شدم. چند روز بعد هم به تهران آمدم و به مادر میلاد گفتم که پسرش را به صورت قاچاق راهی عراق کردم. متهم گفت: من از ۳۵۰ میلیون تومان پول خبر ندارم.

بعد از اقرار بهروز به دومین قتل بود که هماهنگی‌های لازم با کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان سقز انجام شد. تحقیقات نشان داد که مأموران پلیس آن شهر جسد پسر ناشناسی را با شلوار شش جیب، لباس ورزشی و کفش کتانی سفید در آن محل کشف کرده‌اند. علت فوت وی هم اصابت گلوله به سر اعلام شده بود.

سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف صریح بهروز به ارتکاب دومین جنایت، تحقیقات بیشتر در این باره در جریان است.

پیگیری خبر

اعلام گذشت از ۲ قتل خانوادگی

مصرف مواد مخدر کانون‌های خانواده را متلاشی می‌کند

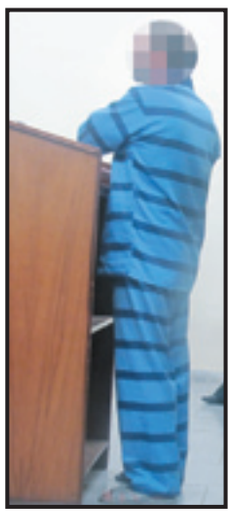

دو مرد که در جریان پرونده‌های جداگانه مرتکب قتل عضو معتاد خانواده‌شان شده بودند، محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار ما، اولین متهم که مردی ۷۵ ساله به نام عقیل است، دو روز قبل در شعبه چهارم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران محاکمه شد. بعد از رسمیت یافتن جلسه بود که نماینده دادستان تهران در جایگاه قرار گرفت و در شرح کیفرخواست گفت: عقیل نهم مردادماه سال ۹۱ به اتهام قتل پسرش بازداشت شد و به جرمش اقرار کرد. از آنجا که او دچار بیماری و کهولت سن بود به تشخیص بازپرس با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد. نماینده دادستان، عقیل را گناهکار شناخت و برای او درخواست مجازات قانونی کرد.

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: پسرم از ۲۰ سال قبل از حادثه به مصرف مواد اعتیاد پیدا کرده بود. او مخدرهای صنعتی مصرف می‌کرد و تحت‌تأثیر توهم ناشی از مصرف، من و مادرش را کتک می‌زد. البته برای نجات او تلاش زیادی کردم و بارها او را به کمپ بردم، اما فایده‌ای نداشت و هر بار مصرفش را شروع می‌کرد. وقتی اذیت‌هایش زیاد شد، او را نزد پزشکی که اهل فرانسه بود، بردم. پزشک هم بعد از معاینه گفت که مغز پسرم به علت مصرف زیاد مخدرها کوچک شده و در صورت ترک هم نمی‌تواند زندگی عادی داشته باشد. با این حال من تلاش خودم را کردم.

عقیل در شرح حادثه هم گفت: روز حادثه او دچار توهم شده بود. اره آهن را برداشت و به من حمله کرد تا من را بکشد. او از من قوی‌تر بود و تلاشم برای فرار هم فایده نداشت. چاقوی آشپزخانه را برداشتم تا شاید بترسد و رهایم کند، اما حمله کرد. من هم او را با چاقو هدف قرار دادم که دو ضربه به او زدم و کشته شد. بعد از حادثه پلیس را از ماجرا با خبر کردم. مأموران به خانه‌ام آمدند و حادثه را شرح دادم. هر چند من را بازداشت کردند، اما یک هفته بعد به دلیل بیماری و کهولت سنی که داشتم به تشخیص بازپرس آزاد شدم.

متهم گفت: من فرزندم را دوست داشتم و نمی‌خواستم دستم به خونش آلوده شود. دوست داشتم که او به جامعه خدمت کند، اما اعتیاد او را به بیراهه کشاند با این حال از هیئت قضایی درخواست گذشت دارم. قاضی عبداللهی بعد از شنیدن آخرین دفاع عقیل با هیئت قضایی وارد شور شد و رأی به آزادی او داد.

■ گذشت از برادر خطاکار

بعد از ختم اولین جلسه رسیدگی، دومین متهم که مردی ۴۵ ساله به نام سهیل بود، برای محاکمه به شعبه چهارم دادگاه منتقل شد. براساس اوراق پرونده سهیل، اول آذرماه سال گذشته به اتهام قتل برادر ۳۷ ساله‌اش در خیابان ۱۷ شهریور بازداشت شد. از آنجا که اولیای دم در مراحل اولیه تحقیقات از سهیل اعلام گذشت کرده بودند، او از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

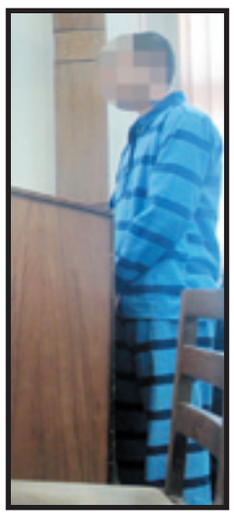

سهیل در شرح ماجرا به هیئت قضایی گفت: برادرم کیان، ۳۷ ساله بود که به مصرف مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد. خانواده‌ام برای نجات او تلاش زیادی کردند، اما همه تلاش‌ها بی‌نتیجه بود؛ چراکه هر بار بعد از ترک دوباره مصرفش را شروع می‌کرد. کیان تحت‌تأثیر مخدر شیشه دچار بی‌خوابی می‌شد و شروع به فحاشی و شکستن وسایل خانه می‌کرد. کیان آبروی خانوادگی‌مان را در محل برده بود و آن قدر به این رفتارش ادامه داد تا اینکه مادرم از دستش دق کرد و فوت شد.

سهیل در توضیح روز حادثه گفت: آن روز برای سرکشی به پدرم راهی خانه‌اش شدم. وقتی رسیدم دیدم که مردم زیادی مقابل خانه جمع شده‌اند. وارد که شدم دیدم کیان دارد خواهرم را کتک می‌زند. سعی کردم او را آرام کنم اما حمله کرد و قوری آب‌جوش را روی سر و صورتم ریخت. بعد ضربه مشتی به چشمم کوبید که همه جا مقابلم صورتم سیاه شد. در همان حال با هم درگیر شدیم و دعوای ما به راه‌پله‌ها کشیده شد. هر دو از روی پله به پایین سقوط کردیم. در حالی که روی زمین افتاده بودیم، دست‌هایم را به گلویش فشار دادم تا اینکه بی‌حال شد. وقتی به خودم آمدم که او فوت شده بود.

مرد میانسال با گریه به دادگاه گفت: من نمی‌خواستم مرتکب قتل برادرم شوم و از هیئت قضایی درخواست گذشت دارم. پدر متهم که در جلسه دادگاه حضور داشت، گفت: سهیل عصای دست من بود و همیشه از من مراقبت می‌کرد. در مدتی که او در حبس به سر می‌برد، زندگی من آشوب‌زده است. از دادگاه می‌خواهم تا پسرم را به من برگرداند تا بتوانم مشکلاتم را حل کنم.

هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع سهیل، رأی به یک سال حبس وی دادند که با احتساب ایام بازداشت تا چند روز دیگر آزاد می‌شود.

دستگیری ۹ شرور مسلح

۹ نفر از اعضای یک باند که در استان‌های اصفهان و تهران دست به سرقت مسلحانه و شرارت می‌زدند، بازداشت شدند و دو نفر هم به هلاکت رسیدند.

سردار ایوب آقاخانی، فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: اعضای این شبکه که از اشرار هستند، آخرین بار ۲۶ اردیبهشت ماه بعد از قتل یک شهروند در خیابان زینبیه متواری شده بودند. وی ادامه داد: بعد از وقوع قتل بود که تلاش‌های پلیس برای بازداشت آنها به جریان افتاد و مخفیگاهشان در شهرستان سمیرم و فارسان شناسایی شد. پس از آن تیمی از یگان‌های ویژه برای بازداشت این اشرار راهی سمیرم شدند و همزمان با هلاکت دو نفر از اشرار، پنج نفر دیگر را بازداشت کردند. سردار آقاخانی گفت: در جریان عملیاتی دیگر پس از شناسایی مخفیگاه اعضای دیگر باند در فارسان چهارمحال بختیاری، کارآگاهان سه عضو دیگر باند به همراه سردسته را دستگیر کردند. از مخفیگاه متهمان چهار قبضه قمه و قداره به همراه یک قبضه اسلحه کلاشنیکف، دو قبضه اسلحه وینچستر، یک قبضه اسلحه کلت کمری و تعدادی فشنگ و مهمات جنگی کشف و ضبط شده است.

وی ادامه داد: متهمان بین ۲۷ تا ۳۰ سال سن دارند و طی ۱۰ سال گذشته در استان‌های اصفهان و تهران اعمال مجرمانه‌ای از قبیل سرقت مسلحانه طلافروشی، سرقت به عنف، شرارت، آدم ربایی، قتل و ایجاد رعب و وحشت مرتکب شده بودند. به گفته این مقام انتظامی سردسته باند نیز دارای هشت فقره سرقت بود.

بخشش قاتل به احترام نیمه شعبان

مردی که ۱۶ سال قبل به خاطر اختلاف ۱۰ میلیون تومانی هم‌اتاقی‌اش را به قتل رسانده بود، به احترام اعیاد شعبان از قصاص نجات یافت.

به گزارش خبرنگار ما، چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۹ بود که ساکنان کوچه‌ای در خیابان ابوذر با استشمام بوی بدی از خانه یکی از همسایه‌ها، مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر را با خبر کردند. لحظاتی بعد، تیمی از مأموران پلیس در محل حاضر شد. یکی از همسایه‌ها گفت: یک سالی است در این خانه چهار مرد ناشناس به صورت مجردی زندگی می‌کنند. چند روزی است از آنها خبری نیست تا اینکه از دو روز قبل بوی بدی از خانه آنها به مشامم رسید. بوی بد این خانه آنقدر امروز زیاد شد که همه همسایه‌ها را آزار داد. از آنجایی که احتمال دادیم برای آنها اتفاق بدی رخ داده باشد، تصمیم گرفتیم از پلیس درخواست کمک کنیم.

در چنین شرایطی مأموران برای بررسی علت بوی تعفن، با شکستن قفل در وارد خانه شدند و با جسد مرد جوانی که پتویی روی آن کشیده شده بود، مواجه شدند. معاینات اولیه پزشکی قانونی در محل حادثه نشان داد مرد جوان حدود ۲۰ روز قبل بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده است. در بررسی‌های بعدی مشخص شد، سه همخانه این مرد هم ناپدید شده‌اند. در حالی که مقتول هیچ مدرک شناسایی همراه نداشت، مأموران متوجه موتورسیکلتی داخل حیاط شدند که به گفته همسایه متعلق به مرد فوت شده بود. مأموران در گام بعدی برای شناسایی مقتول، شماره پلاک موتورسیکلت را از سامانه پلیس استعلام گرفتند که مشخص شد صاحب موتورسیکلت مردی ساکن شهرستان زاهدان است. صاحب موتورسیکلت پس از حضور در پلیس آگاهی پایتخت اعلام کرد موتورسیکلت را مدتی قبل به صورت امانت به برادرش داده است. وی گفت که برادرش مرد ۲۹ ساله‌ای به نام فرهاد است که مدتی قبل برای کار به تهران آمده است. در ادامه مأموران وی را برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی دعوت کردند و وی جسد برادرش را شناسایی کرد.

با شناسایی مقتول، کارآگاهان تحقیقات جنایی را برای شناسایی هم‌اتاقی‌های وی آغاز کردند. بررسی‌های فنی نشان داد مقتول از مدتی قبل با یکی از هم‌اتاقی‌هایش که بابک نام داشت، اختلاف داشته است. بابک مجرم سابقه‌داری بود که سال ۷۳ به جرم درگیری مرگبار به زندان افتاده و پس از پنج سال حبس آزاد شده بود، بنابراین بابک به عنوان مظنون بازداشت شد. وی در بازجویی‌ها به قتل اقرار کرد.

متهم گفت: من و دو نفر از دوستانم با مقتول هم‌اتاق بودیم. ما با هم مشکلی نداشتیم تا اینکه چندی قبل از حادثه ۱۰ میلیون تومان به مقتول پول دادم تا برایم فرش و موکت بخرد. می‌خواستم پس از خرید فرش‌ها و موکت‌ها را به افغانستان ببرم و آنجا بفروشم. دو ماهی گذشت و وقتی فهمیدم قصد ندارد برایم فرش، بخرد از او خواستم پول مرا پس دهد، اما او هر روز بهانه‌ای می‌گرفت تا اینکه روز حادثه من و او در خانه تنها بودیم که درباره همین موضوع با هم مشاجره لفظی کردیم. وقتی درگیری ما بالا گرفت، ناگهان پارچه‌ای به دور گردنش انداختم و آنقدر کشیدم که او خفه شد. پس از حادثه پتویی روی او کشیدم و از خانه گریختم. متهم پس از تحقیقات تکمیلی در شعبه ۱۶۰۸ دادگاه جنایی تهران محاکمه شد. هیئت قضایی متهم را به قصاص محکوم کرد. حکم دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. در حالی که متهم در یک قدمی چوبه‌دار قرار داشت، هیئت صلح و سازش دادسرای جنایی به سرپرستی قاضی شهریاری، سرپرست دادسرا تلاش‌های زیادی برای جلب رضایت از اولیای دم انجام دادند. در نهایت تلاش‌های تیم صلح و سازش نتیجه داد و اولیای دم چند روز قبل به دادسرا آمدند و رضایتنامه کتبی خود را به دادیار شعبه اجرای احکام ارائه دادند. اولیای دم اعلام کردند به احترام میلاد حضرت مهدی قاتل را بخشیدند. بدین ترتیب متهم پس از ۱۶ سال که در انتظار قصاص بود با اقدام خداپسندانه اولیای دم به زندگی دوباره بازگشت.

مرد همسرکش در ایستگاه محاکمه

پرونده مرد جوانی که متهم است قبل از طلاق همسرش، وی را به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری شماره یک استان تهران بررسی می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه ۳۱ فروردین‌ماه سال قبل بود که مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت که همسرش را به قتل رسانده است. او سپس نشانی خانه‌اش را در خیابان شیخ‌صفی حوالی میدان نامجو در اختیار مأموران گذاشت. لحظاتی بعد مأموران در محل حاضر شدند و جسد را در طبقه اول کشف کردند. مرد جوان را هم که کنار جسد مشغول کشیدن سیگار بود، بازداشت کردند. بعد از حضور بازپرس احمدبیگی و انجام تحقیقات میدانی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. متهم که حمید نام داشت، به قتل همسرش اقرار کرد و گفت سه سال قبل بود که با نازنین آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم. پدر نازنین بعد از بازنشستگی برای ادامه زندگی راهی شمال کشور شد و از آنجا که خانه نداشتم، برای ادامه زندگی در خانه آنها ساکن شدیم. متهم گفت: من شغل مناسبی نداشتم به خاطر همین همسرم مدام سر این موضوع با من مشاجره می‌کرد. او از من توقعاتی داشت که توان برآورده کردنش را نداشتم، به خاطر همین خیلی زود با هم اختلاف پیدا کردیم. مشاجره هر روزه ما سبب شد تا دچار بیماری عصبی و مدتی در بیمارستان بستری شوم. بعد از بهبودی نسبی وضعیتم دوباره اختلافمان سر این موضوع زیاد شد تا جایی که تصمیم به طلاق گرفتیم. برای انجام کارهای طلاق به شورای حل اختلاف رفتیم و قاضی هم بعد از مشاوره پیشنهاد داد که ادامه زندگی ما امکان‌پذیر نیست، بنابراین قرار شد بعد از پرداخت مهریه او را طلاق دهم. متهم در شرح حادثه هم گفت: ساعتی قبل از حادثه همسرم سر موضوع مهریه شروع به مشاجره کرد. وضعیت روانی‌ام به هم ریخت و خواستم ساکت باشد، اما مدام صدایش را بالا برد. من هم کنترلم را از دست دادم و او را با روسری‌اش خفه کردم. بعد با پلیس تماس گرفتم. سیگاری روشن کردم و منتظر رسیدن مأموران شدم.

متهم در بازجویی‌های بیشتر هم به جرمش اقرار و صحنه جرم را بازسازی کرد. با کامل شدن تحقیقات، بازپرس احمدبیگی متهم را به جرم مباشرت در قتل مجرم شناخت و کیفرخواست را علیه وی صادر کرد. پرونده حمید به زودی در دادگاه کیفری شماره یک استان تهران بررسی می‌شود.

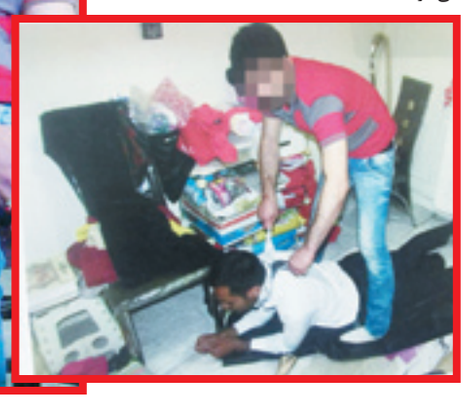

سقوط خونین خودرو به رودخانه اشکور

سقوط خودرو به داخل رودخانه اشکور رودسر یک کشته بر جای گذاشت.

این حادثه بامداد شنبه اتفاق افتاد که در جریان آن سواری پژو ۴۰۵ بعد از انحراف از مسیر به داخل رودخانه اشکور در مسیر روستای کیت سقوط کرد. لحظاتی بعد از حادثه امدادگران در محل حاضر شدند و راننده و سرنشین را از آب خارج کردند. بررسی‌ها نشان داد که راننده ۲۶ ساله به علت شدت جراحت فوت شد، اما سرنشین دیگر از مرگ نجات یافت. علت حادثه در دست بررسی است. دهستان اشکور علیا در ۱۲۰ کیلومتری شهر رودسر قرار دارد.

پیکان دیوار پارکینگ را شکافت

خودروی پیکان با شکافتن دیوار، وارد پارکینگ خانه‌ای در قائمشهر شد.

راننده میانسال این خودروی پیکان که تازه آن را خریده است، حین حرکت در جاده، خودرواش را به دیوار منزلی در روستای ریکنده قائمشهر کوبید و از پارکینگ این منزل سر درآورد. راننده در این حادثه جان سالم به در برد، اما خودروی او و دیوار پارکینگ و خودروی زانتیای صاحبخانه خسارت دیدند.

پسر نوجوان زندگی بخشید

اعضای بدن پسر نوجوانی که در تصادف با موتورسیکلت به مرگ مغزی مبتلا شده بود، به بیماران نیازمند اهدا شد.

امیرحسین بذری، نوجوان ۱۷ ساله اهل رودبنه لاهیجان بود که چند روز قبل در تصادف با موتور به مرگ مغزی مبتلا شد. دو کلیه و کبد امیرحسین در بیمارستان رازی رشت به بیماران اهدا شد.

مرگ غم‌انگیز پدر و پسر هنگام ماهیگیری

مردی میانسال و کودک خردسالش هنگام ماهیگیری به داخل سد تاریک امامزاده هاشم رشت سقوط کردند و جان باختند.

مدیر عامل آتش‌نشانی رشت گفت: این حادثه روز شنبه اتفاق افتاد و این دو نفر که پدر و پسر ۴۰ و ۱۰ ساله بودند، هنگام ماهیگیری به داخل آب افتادند و غرق شدند. بابک رمضانی ادامه داد: تیمی از غواصان برای امدادرسانی در محل حاضر شدند، اما هنوز موفق به کشف اجساد نشده‌اند. پدر و پسر غرق شده به همراه خانواده‌شان برای تفریح به سد انحرافی تاریک رشت رفته بودند.

دست قطع شده زن ۴۰ ساله پیوند شد

مچ دست قطع شده زنی، در مرکز آموزشی - درمانی شهید رجایی قزوین پیوند زده شد.

مسئول اتاق‌های عمل مرکز آموزشی - درمانی شهید رجایی گفت: این عمل جراحی هفت ساعت طول کشید و طی آن مچ دست زنی ۴۰ ساله به صورت موفقیت‌آمیزی پیوند زده شد. ریحان چگینی ادامه داد: این بیمار در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است و سطح هوشیاری خوبی دارد.

راننده امانتدار کیف ۳۵ میلیون تومانی را به صاحبش برگرداند

راننده امانتدار تاکسی بی‌سیم رامسر در اقدامی خداپسندانه کیف حاوی مدارک شخصی و ۳۵ میلیون تومان را به صاحبش بازگرداند.

احسان آریان‌فر، راننده تاکسی بی‌سیم فرودگاه پس از پیاده کردن مسافر، متوجه کیف به‌جا مانده در خودروی خود می‌شود. این راننده امانتدار پس از مشاهده کیف و محتوای ۳۵۰ میلیون ریالی آن با پیگیری و کمک مسئولان فرودگاه صاحب کیف را شناسایی می‌کند. در حضور فرماندهی پلیس فرودگاه رامسر، کیف و محتوای آن تحویل سیدمهدی جعفری صاحب کیف می‌شود.

شهرستان ۷۰ هزار نفری رامسر در غرب استان مازندران قرار دارد.